



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۰۵

جليل غنی هروی

## تلاش برای محدود ساختن زبان ها

به جواب جناب ع. و حیدری از شهر سیدنی استرالیا هدف این نوشته دفاع از نوشته جناب فردوس معنون به "ظهور نیروی جدید سیاسی" نیست بلکه نظر گذرانی است بر چگونگی استفاده از کلمات و محتوای این نوشته و تصمیم به نشر به موقع آن در پورتال افغان جرمن آنلاين، گر چه ممکن است متصدیان این وب سایت نظری داشته باشند ولی خواستم نظریات خویش را در زمینه حساسیت در برابر بعضی کلمات و کوشش برای محدود ساختن زبانها با خوانندگان محترم شریک سازم.

جناب ع. و حیدری با اعتراضی به نشر مضامین انتخابی از روزنامه هشت صبح چاپ کابل در ستون نظریات پورتال افغان جرمن آنلاين می نگارند:

نشر مضامین هشت صبح در جرمن آنلاين سؤال های زیادی خلق می کند. در این جای شك نیست که بعد از سال ۲۰۰۱ صد ها رسانه در افغانستان شروع به کار کرده که اکثراً اهداف مشخص دارند. هشت صبح با استفاده از آن رسانه در تزریق اصطلاحات و لغات ایرانی و تفرقه اندازی کوشش زیاد کرده. نشر مستقیم مضامین هشت صبح اب به آسیاب دشمن ریختن است. عاقبت گرگ زاده گرگ شود

گرچه با آدمی بزرگ شود

وقتی به متن مقاله تحلیلی آقای فردوس معنون به "ظهور نیروی جدید سیاسی" در قبال کاندیدای انتخابات پارلمانی پیش رو و نقش جوانان درین عملیه برای آینده سازی در افغانستان، نظر می اندازیم در تمام این متن از نگاه بکار برد کلمات و یا اصطلاحاتی که شاید به نظر آقای حیدری ایرانی باشد و مانند تعداد دیگری این لغات و اصطلاحات را بیگانه انگارند، سوابق این چند کلمه محدود را می یابیم: بازرگان، دانشگاه، سازشنامه، اردوگاه و نخست وزیر.

اکنون هر یک از این پنج کلمه را می بینیم که واقعاً در زبان و ادب دری فارسی بیگانه اند و جعلی و یا در متون قدیم نیز موجود بوده اند و یا هم جا نشینی برای لغات واقعی بیگانه هستند.

نخست کلمه "بازرگان" این کلمه در الهی نامه پیر هرات خواجه عبدالله انصاری بیش از یک هزار سال قبل نیز بکار رفته آنجا که می گوید: الهی آفریدی رایگان، روزی دادی رایگان، به بخشای رایگان زیرا تو خدائی نه بازرگان.

قدمات استعمال این کلمه نشان می دهد که از کلمات اصیل زبان فارسی دری است که ده قرن قبل هم مورد استعمال بوده و هر فارسی زبانی حق دارد که از این کلمه استفاده کند شاید در تاجکستان و یا نقاط دیگر فارسی زبانان نیز از آن استفاده کنند کلمات مستملکاتی نیستند که هیچ کس دیگر و یا کشور دیگری حق استفاده از آنرا نداشته باشند و به هیچ صورت محدودیتی بر استعمال این کلمات وضع شده نمی تواند

کلمه دیگری که درین نوشته بکار رفته هم از کلمات اصیل فارسی دری است که به جای کلمه پشتوی پوهنتون در مکاتبات و رسمیات از ده ها سال به اینطرف روی دلایلی که نزد دولت وقت بوده بکار برده شده و قبل از آن حتی همین پوهنتون کابل هم به نام دانشگاه کابل در زمان تاسیس آن "دانشگاه" نامیده شده بود و داکتر محمد انس اولین رئیس این نهاد علمی به حیث رئیس دانشگاه کابل در زمان محمد ظاهر شاه مرحوم فرمان داده شده بود. در متون قدیم زبان و ادبیات ما این کلمه بوده و هست و بیگانه نیست و اگر قرار باشد که هر کلمه را که ایرانیان با مشترکات زبانی که افغانستان با آن کشور دارد، استفاده کردند ما دور اندازیم، باعث محدودیت زبان خود شده و عاقبت به جز کلمات محدود فارسی دری و پشتو و عربی چیز دیگری به این زبان که به رویت اسناد تاریخی مادر زبان فارسی مروج امروز است و خاستگاه آن هم مناطق شمال شرق افغانستان است، باقی نخواهد ماند که به دست خویش قبر این زبان را حفر می کنیم .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

کلمه "سازشنامه" که به جای "موافقتنامه" بن بکار رفته دیدگاه و برداشت نویسندگان را از این موافقتنامه نشان می دهد که آنرا "سازش" خوانده نه "توافق" و نشان می دهد که نویسنده این مقاله از بکار بردن این کلمه خواسته نظر خویش را ابراز دارد که بیشتر جنبه "سازش" داشته نه توافق. "اردوگاه" به جای "کمپ" انگلیسی بکار برده شده که کلمه فارسی دری و از کلمات معمول در ادب دری بوده است. حالا خود قضاوت کنید که باید یک کلمه انگلیسی را بر فارسی دری ترجیح دهیم و کلمه فارسی دری را ایرانی بخوانیم؟ اگر معادل چنین کلمات بیگانه را نداشته باشیم جای دارد تا زمانیکه کلمه درست و مورد قبول مراجع علمی بیابیم از آن استفاده کنیم ولی اگر معادل آنرا در زبان خود داریم چرا باید کلمه خارجی را ترجیح دهیم. بالاخره "نخست وزیر" به جای "صدر اعظم" که در تشکیلات دولتی افغانستان معمول بود ولی بیگانه نیست حتی اگر به خاطر داشته باشید زمانیکه حفیظ الله امین این عهده را داشت آنرا به پشتو ترجمه نموده و به جای آن "لمری وزیر" گذاشت که هم در متون دری و هم در پشتو بکار برده می شد. همانطوری که جای کلمه دانشگاه را ترجمه آن "پوهنتون" گرفته است.

ولی جان مطلب درین است که این متن خلاصه جریانات تاریخی را چنان با مهارت و موجز پهلوی هم قرار داده که هر خواننده را به گذشته های تاریخی ناگفته آشنا میسازد که متأسفانه به آن کمتر توجه شده و نسل های امروزی تقریباً با آن بیگانه شده اند. این نظر گذرا بر این رویداد های تاریخی برای نسل امروزی افغانستان، که تازه پا به عرصه وجود گذاشته، بسیار آموزنده است و این نسل جوان را به آینده امیدوار میسازد.

گذشته از آن نویسنده این مقاله سعی کرده بیطرفانه رویداد های نا مطلوب و زجر دهنده را که در سالهای اخیر مردم بی دفاع افغانستان آنرا با تلخی تجربه کرده اند، یاد آور شود تا خدای نخواستہ با تلاش منبوحانه پیروان ستمگرانی که مانع تحصیل و تعلیم و موجب ویرانی بنیاد های اجتماعی و مدنی و پیشرفت و انکشاف گردیده اند، مثل رویداد های تلخ و واقعی گذشته که از باز تاب آنها در گذشته های نه چندان دور جلو گیری شد و ملت و نسل امروز نتوانست از آن عبرتی بگیرد، گرد فراموشی اجباری این حقایق را نیز به پوشاند.

فرض کنیم که به نظر جناب حیدری یکی دو کلمه از تمام این متن نا مأنوس بوده باشد آیا باید تمام این معلومات را قربانی دو کلمه ساخت که به ذوق و سلیقه بعضی ها مناسب نیست و "سوال بر انگیز" است. عصر سانسور و جلو گیری از نشر حقایق گذشته و آزادی بیان و عقیده و فکر حتی در افغانستان نیز تضمین گردیده است. شاید جناب حیدری بر مبنای هر دلیلی که نزد خود شان است با نشر محتوای این مقاله موافق نبوده باشند و فقط یکی دو کلمه را بهانه گرفته باشند که به قول شاعر " اگر بهانه نگیری بهار رنگین است".

از جانب دیگر وضع محدودیت بر زبان چه فارسی دری باشد چه پشتو مانع پیشرفت زبان و توسعه ذخایر لغوی آن میگردد. با یک مثال کوچک می توان آنرا برانزده ساخت. اگر ما امروز شمس النهار زمان امیر شیرعلیخان و یا سراج الاخبار دوران امیر حبیب الله خان و یا مثلاً یاد داشت های واقعه نگار و مؤرخ نامدار کشور فیض محمد کاتب را با نوشته مثلاً همین متن داشته مقایسه کنیم در می یابیم که از نگاه ساختار جملات و استعمال کلمات حتی برای بزرگ سالان مشکل خلق می کند چه رسد به نسل جوان امروز زیرا زبان همگام با جامعه و علم و تخنیک پیشرفت میکند تا جوابگوی نسل جدید و باور ها و انکشافات جدید باشد.

وضع محدودیت غیر موجه بر هر زبانی از تحرک و دینامیزم آن زبان جلو گیری می کند و آن زبان را به حالت ایستاتیک قرار می دهد که مرگ تدریجی همان زبان را باعث می شود و از زبان به لهجه مبدل شده و در نهایت می میرد. تاریخ زبان شناسی نشان می دهد که در همین خطه که ما زندگی می کنیم و وطن ما موقعیت دارد سی و پنج زبان و لهجه وجود داشته که تعداد کمی از این زبانها و لهجه ها باقی مانده اند. زبانهای رسمی و غیر رسمی امروزی افغانستان همه هم تاثیر گذار هستند و هم تاثیر پذیر. مرز بندی های سیاسی را نمی توان بر مرز بندی های زبانی تحمیل نمود همانطوری که امروز در زبان های رسمی افغانستان، دری و پشتو هر دو، لغات عربی، سانسیریت، اردو، انگلیسی، حتی روسی و فرانسوی و یونانی یافت می شود که همراه با انکشاف تکنالوژی، سیر و سیاحت تجارت، ورود وسایل طبی و تخنیکی و اصطلاحات علمی وارد زبان گردیده و امروز جزئی از زبان است. این کلمات امروز بیگانه نیستند و زبان را غنا بخشیده اند و در بسیاری موارد به خصوص اصطلاحات علمی و طبی و تکنالوژی امروزی اصطلاحات بین المللی است که مانند خود علم و دانش مرزی ندارد.

تلاش برای محدود ساختن زبان از مدتی است که با تحریک بیگانگان به حیث جزئی از پلان و طرح وسیع ایجاد افتراق و دامن زدن به انواع تعصبات در تمام عرصه های اجتماعی، فرهنگی، زبانی، مذهبی، سمتی و منطقوی و مذهبی جریان دارد. بر نسل آگاه و چیز فهم امروزی است که بر همه ای این نا بسامانی ها و تلاش ها جواب رد بدهد و به حیث پیش گام نهضت های ترقی خواهانه مثل پدران وطن پرست و راستین شان علم بردار مبارزه برای پیشرفت و ترقی و مجادله با هر نوع تفرقه افگنی و تعصب باشند.

پایان